

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه - افغانستان

۱۸ جولای ۲۰۱۹



خودکامه

چهل سال انارشی و بی‌ثباتی افغانستان را در چهارراهی افتادن به‌دست فرد یا گروه خودکامه، فروپاشی، ادامه انارشیزم و دموکراسی قرار داده است. مردم افغانستان بیشتر از هر زمان دیگر فرصت انتخاب دارند، چون هیچ یکی از طرف‌های علاقه‌مند به این چهار راه آن‌قدر قوی، ریشه‌دار و صاحب نهاد نیست که نتوان در برابرش ایستاد. در این میان اما فرصت برای استقرار حکومت خودکامه بیشتر است و مردمی که از قومندان‌بازی، ناامنی، ملوک‌الطوایفی و بی‌بندوباری به تنگ آمده است، بسیار مستعد ایستادن پشت مستبد خیال‌پرداز و تکروی‌ست که دروغ‌های شیرین می‌گوید.

اشرف‌غنی دوست دارد این خلاء را پر کند و تلاش‌هایی برای بهره‌برداری از این فرصت انجام می‌دهد، اما معلوم نیست توان و عمر کافی داشته باشد.

خودکامه کمبودهایش را در جامه قوت می‌فروشد و جامعه را به پیچ تازه‌ای سمت می‌دهد که آن‌طرفش ممکن دره‌ای وحشت‌ناک باشد.

۱ - خودکامه خیال‌پرداز است و می‌کوشد نیروی انسانی و مالی کشور را به سمت تحقق خیالات خود سوق دهد. مثل اردوخان قصرهای بزرگ می‌سازد و پروژه‌های میلیاردی راه می‌اندازد و اگر امکانات میسر شود به جان کوه و دریا می‌افتد تا با قربانی کردن عمر، انرژی و فرصت مردم از خود "شاهکار به جای بگذارد".

۲ - خودکامه با رؤیاهای مردم بازی می‌کند. تلاش می‌ورزد با ساختن قصه در مورد "گذشته‌های افتخارآمیز" و طرح برنامه برای آینده‌های "شکوه‌مند" مردم را با دردهای امروزشان بیگانه سازد تا گرسنگی، مرگ جوانان، بی‌کاری، نبود آزادی و رنج‌های فراوان دیگرشان را که ممکن روزی آنان را به ستوه آورده، علیه خودکامه منسجم سازد، فراموش

کنند. اردوخان از حاکمان عیاش و مفلوک عثمانی با سریال و فلم و کتاب و هنر قهرمانان و الگوهای تاریخی می‌سازد و با ساختن بزرگترین میدان هوایی، بزرگترین بند آب، بزرگترین پروژه تغییر مسیر آب و امثالهم آینده شکوهمند را در رؤیای مردم جای دهد تا سقوط لیره، سرکوب مخالفان، پاشیدن پول در کشورهای عربی و افریقایی، تنگ شدن هر روزه مجراهای آزادی را تحمل کنند و برای تثبیت "جلال و شکوه او از نان و آب و جان و آزادی خود مایه بگذارند.

۳ - خودکامه دروغ‌های شیرین می‌گوید. چنان از شکوه پنج‌هزار ساله و برنامه‌های ۴۰۰ ساله سخن می‌گوید که گویا مشکلات کنونی و عینی چون راه‌بندان، تشناب‌های سرباز، کوچه‌های خامه، کمبود آب آشامیدنی، کمبود معلم و کتاب و چوکی، کوچ و کشتار دسته‌دسته جوانان و نیروی کار، رشوت‌ستانی میلیاردی، اختطاف و چاقوکشی و تروریزم در برابر آن گذشته افتخار آفرین و آینده شکوهمند رنگ بیازند و ذهن تشنه مردم تخذیر شود.

۴ - خودکامه برای تحقق اهداف "شکوهمندش" تن به هرکاری می‌دهد. با دشمن خونی خود و مردمش پیمان می‌بندد، در کنار ملا تسبیح به‌دست می‌گیرد، در کنار دمکرات نکتائی می‌پوشد و در پهلوئی آدم سنتی دستار می‌بندد. وقتی پایش را محکم کرد همه را می‌راند. کسانی را با تسبیح، کسانی را با لنگی و عده‌ای را با نکتائی به بند می‌کشد.

۵ - خودکامه آرمان‌گراست. به خصوص در آغاز پیامبرگونه سخن می‌گوید و تلاش می‌ورزد از خود شخص رسالت‌مند تصویر کند، اما به تدریج وقتی حریفانش را از میدان کشید، دلق آرمان و پوستین رسالت را دور می‌اندازد و عریان و نترس از مردم سواری می‌گیرد.

۶ - روزگار خودکامه گاهی شیرین و "شکوهمند" پایان می‌یابد و مردم در مرگش عزا می‌گیرند، اما گاهی بسیار فجیع و زیر مشت و لگد آنانی که روزی برایش اشک می‌ریختند و هر دستورش را بی‌چون و چرا لبیک می‌گفتند، خرد و خمیر می‌شود. اما، در هر دو صورت، میراث خودکامه طوفان است. بعد از او رؤیاهای دروغین دود می‌شوند و جامعه‌ای که سال‌ها دروغ شنیده، فریب خورده و قربانی داده خود را با دیوهای تازه مواجه می‌بیند.

آرزو می‌کنم مردم خسته از جنگ و بی‌نظمی در برابر وسوسه استبداد و راه کوتاه آرامش با مشنت "دیکتاتور منور" مقاومت کنند و از تلاش برای رسیدن به جامعه دمکراتیک و آزاد نیاستند.